

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Social

اجتماعی

تیمورشاه تیموری

شهرک زین

۲۰ جون ۲۰۱۵

## باز هم خاطره ای از گذشته ها

مطابق به عادتی که از مدتی ست دامنگیرم شده، در شروع روز به پورتال عزیز خود "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" مراجعه نمودم در سرمقاله تاریخ ۱۷ جون ۲۰۱۵ نوشته جناب معروفی صاحب را زیر عنوان "دراکولا هم رفت پشت کلاهی خود" مطالعه نمودم. فلمهای وحشتناک تخیلی دراکولا مدتی سینماهای کابل را اشغال کرده بود و من چند فلم آن را دیده بودم که اینک جناب معروفی صاحب بالتفصیل از چگونگی پیدایش آنها بحث رانده و در مرگ هیروی مشهور آن فلمها عبارت "پشت کلاه خود رفتن" را استعمال کرده اند. چنانی که شاید اکثر خوانندگان محترم درک کرده باشند، معروفی صاحب علاقه و اشتیاق زیاد به ترویج اصطلاحات و ضرب المثلهای سوجه و اصیل کابلی دارند، که درین راه به موفقیتهایی هم نائل گردیده اند و این اشتیاق را همه ما باید داشته باشیم. بناءً معروفی صاحب اصطلاح "پشت کلاه خود رفت" را جان تازه بخشیدند و من که به نوبه خود همواره ازین اصطلاحات و ضرب المثلهای اصیل و پخته کابلی حظ برده و میبرم، درینجا به اجازه خوانندگان گرامی میخوام مصداق عینی و عملی این اصطلاح را بیان کنم، که خالی از دلچسپی نخواهد بود:

در زمانی که من در وزارت عدلیه در رأس خاړنوالی پولیس قرار داشتم، دوسیه های مربوط به افراد پولیس و کسانی که در رابطه به پولیس قرار داشتند، اعم از واقعات جنائی و یا غیر آن، نزد ما می آمد. اگر افرادی از پولیس و یا عساکر زیر بیرق به نحوی در ارتباط با پولیس در اثنای اجرای وظیفه فوت میکرد، دوسیه های شان نزد ما تحت کنترول و بررسی قرار میگرفت، تا مبادا دست عمدی در کار نبوده باشد. در یکی از دوسیه ها چنین خواندم:

موتری از موتراهای سرباز، که در آن زمان موتراهای روسی به نامهای ماز و کاماز و غیره زیاد وجود داشت، تعدادی از عساکر را حمل نموده از منطقه پلچرخ که در آنجا یک قشله عسکری وجود داشت، جانب شهر روان بود. عساکر در تخت عقب موتر بعض بالای چوکی و بعض بدون چوکی جا گرفته بودند و موتر به سرعت روان بود. سرعت موتر شدت شمالی را که از سمت مقابل میوزید، دوچند ساخته بود. در همین اثناء کلاه یکی از عساکر را که در قسمت آخرین تخت نشسته بود، باد از سرش به هوا بلند میکند. و آن اجل گرفته به قصد به دست

آوردن کلاه از جای بلند میشود، در همین لحظه جسم سختی در زیر تاپر موتر می آید و تکان شدیدی به سرنشینان وارد میشود و عسکر بیچاره بدون آن، که کلاه خود را بدست آورده باشد، سر به تالاق بر سرک اسفلت می افتد، در دم جان میدهد و پشت کلاه خود میرود.

این دوسیه نزد ما بررسی شد و چون جز آنچه در بالا ذکر شد جز یک واقعه اسفبار چیز دیگری در آن دیده نشد، مرگ فرد مذکور به اثر یک واقعه اتفاقی تائید و دوباره به مرجعش فرستاده شد.

این بود اصطلاح "پشت کلاه رفتن"، که عملاً انجام گرفت و درباره مرگ اشخاص نیز گفته میشود:

## "پشت کلاهش رفت."